



شورای عالی حوزه علمیه

مرکز مدیریتحوزه علمیه خواهران

مدرسه علمیه ریحانه النبی ( صلی الله علیه واله و سلم)

شهرستان شادگان

عنوان مقاله: حد عذاب و رحمت خدا

استاد راهنما: سرکار خانم عبادی

پژوهشگر وفا وادی مفرد – ربیعه حزباوی

## مقدمه

تا جاییکه رحمت خداوند بی عدالتی نسبت به دیگر بندگان و مخلوقات او نباشد در حق آنها مهربان است . اما در جاییکه مهربانی اش باعث ظلم به دیگران و یا ضمانت اوصاف خود دیگر او باشد قطعاً مهربان نیست بلکه لازم و ضروری است با غضب خود را گردنکشان وارد به عبارت دیگر در اینگونه موارد اصلاً مهربانی معنا ندارد.

## چکیده

خداوند سرچشمه خورشید مهربانی است و همه مهر ها و خوبی ها جهان و پرتوی از مهربان اوست و از چشم های کینه توازنه به دور است چرا که با توجه به خداوند سبحان دگرگونی و از حالی به حالی شدن ذات خداوند تبارک و تعالی محال است و اگر در قرآن کریم واژه بی غضب یا کلمه ی عذاب را به خدای رحمت نسبت داده است غضب به معنای کلید و مجاز است مجرمان است نه غضب به معنی عصبانی شدن و خشم ناک شدن ستمکاران نتیجه عینی سر کشی آنهاست زیرا بهشت جهنم را به کسانی می سازند که در برابر قانون الهی طغیان می کنند و اگر همه افراد فرسان بردار خدا بودند هرگز از جهنم خبری نبود.

کلید واژه: عذاب - گناه - دنیا- امید به رحمت خدا - ترس - امید مهربانی خدا نسبت به انسان

خداوند نسبت به بندگان از مادر مهربان تر است عذابی اسیر پیامبر صلی الله علیه و آله آمدند ناگهان زنی از اسیران که چشمش به کودی اسیر افتاده بود و او در آغوش گرفت و شیرش داد پیامبر صلی الله علیه و آله به ما فرمود آیا به

نظر شما این زن هیچ گاه حاضر میشود کودک خود را در آتش افکند به عرض کردیم خیر ، تا قدرت داشته باشد این کار را نمی کند پیامبر فرمود خداوند نسبت به بندگان خود مهربان تر از این مادر نسبت به فرزند خود است باید بدانیم که خداوند متعال از هیچ روزنه رحمتی را از بندگان و آفریدحلال خود دریغ نکرد و تا آن جا که در آمدن داشته باشد مهربانی می کند زیرا او ارحم الراحمین است.

### عذاب خدا همان رحمت اوست

تا جاییکه رحمت خداوند بی عدالتی نسبت به دیگر بندگان و مخلوقات او نباشد در حق آنها مهربان است اما در جایی که مهربانی اش باعث ظلم به دیگران و یا مخالف اوصاف خوب دیگر او باشد قطعاً مهربان نیست بلکه لازم و ضروری است با غضب خود عذاب را برگردنکشان وارد آورد و به عبارت دیگر از اینگونه موارد اصلاً مهربانی معنا ندارد.

پس خداوند مهربان ترین مهربانان عالم است و عذاب هایی که در آیات قرآن از طرف خداوند آماده است در جاییکه مهربانی او مخالف دیگر خوبی های اوست و مهربانی او معنایی ندارد و نه تنها مهربانی نیست بلکه ضد رحمت الهی است.

نهج البلاغه و کشف الصدق ( ترجمه کهنسال ) ص ۳۸۷

اگر بگوییم رحمت و مهربانی خداوندی نهایت است و او ارحم الراحمین است چرا در قرآن کریم آیات زیادی در رابطه با خشم و غضب و عذاب الهی داریم

خدا شبیه هیچ چیز نیست

یکی از مشکلات در راه معرفت و شناخت خداوند متعال استفاده ذهن از تصورات و خیالات خود است به این معنی که ما وقتی میخواهیم در مورد خداوند سوالی مطرح کنیم ناخودآگاه وجود خداوند را شبیه مخلوقات و موجودات عالم در نظر می گیریم و این همان محدودیت تصور و درک انسان از حقیقت وجود خداوند است اصل کلی در مورد خداوند متعال برگرفته از این آیه قرآن کریم است که می فرماید لیس کمثله شی (شورا / ۱۱) هیچ چیزی مانند او نیست در مورد رحمت و غضب خدا نیز باید دیدگاه را اصلاح کنیم یعنی اینکه باید بدانیم که مهربانی و خشم در ما انسان ها به معنای تغییر حالت درونی ماست در حالیکه چنین چیزی در مورد خداوند وجود ندارد زیرا تغییر و تحول در خداوند معنا ندارد و خداوند اصلا نیازی به تغییر و تحول ندارد و بلکه اصلا خداوند متعال نیاز به هیچ چیزی ندارد. قرآن کریم می فرماید و لله مافی السموات والارض ولقد وصینا الذین اوتوا الكتاب من قبلکم وایاکم ان اتقوا الله و ان تکفروا فان لله ما فی السموات و مافی الارض و کان الله غنیا حمیدا (نسا / ۱۳۱) آن چه در آسمان ها و آن چه در زمین است خود در سیطره مالکیت و فرمانروایی خداست وابسته ما کسانی را پیش از شما کتاب اسمانی به آنان را شده است و نیز شما را سفارش کردیم که در همه امورتان از خداوند پروا کنید و هشدار دادیم اگر کفر ورزید زیانی به او نمی رسانید زیرا آن چه در آسمان ها و آن چه در زمین است در سیطره مالکیت و فرمانروایی خداست و خداوی هموار بی نیاز و ستوده است پس مهربانی خداوند با مهربانی ما انسان ها نسبت به یکدیگر فرق دارد و نیز خشم و غضب خداوند نیز باخشم ما انسان ها متفاوت است شاید خداوند همان عذاب الهی است.

## مهربانی خدا

در مورد رحمت و مهربانی خداوند آیات زیادی در قرآن کریم وجود دارد همچنین روایت بسیاری در این زمینه به دست ما رسیده است که جای بحث بسیاری دلرد از آنجا که طبق مطلبی که گفته شد خداوند متعال دارای نظام خوبی های بی حد و بی انتها ست لذا مهربانی خداوند متعال نیز بی اندازه است بلکه بدانیم که خداوند سر چشمه تمام مهربانی هاست .

خدای همه عالم نظام بندگان خود را بسوی رحمت و مهربانی خود دعوت می کند و میفرماید ( قل یا عبادى الذین اسرفوا کلی انفسهم و لا تقنطو من رحمة الله ان الله یغفر الذنوب جمیعا انه هو الغفور الرحیم ) ( زمر / ۵۳ ) ای بندگان من که با ارتکاب گناه برخود تجاوز کار بوده اید از رحمت خدا ناامید نشوید و یقینا امام علی علیه السلام فرمودند ( مافی القرآن آیه اوسع من یا عبادى الذین اسرفوا ) در تمام قرآن آیه ای وسیع تر از این آیه نیست یعنی نهایت رحمت و مغفرت و امیدواری نسبت به خدا به تصویر کشیده شده است.

### رحمت پروردگار در وسعت دادن بر بندگان

امام باقر علیه السلام از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه وآله روایت میفرماید یوتی یوم القیامه برجل فیقول: احتج ، فیقول : یا رب خلقتنی و هدیتنی و اوسعت علی فلم ازل اوسع علی خلقک و استر علیهم لکی تنسر علی هذا الیوم رحمتک و تستر ه فیقول الرب جل ثناوه و تعالی ذکره صدق عبدی ، ادخلوه الجنة .

مردی را در عرصه گاه محشر حاضر می کنند به او خطاب میرسند آنچه بر من حجت داری باز گو کن ، عرض میدارد پروردگارا مرا آفریدی و هدایتی کردی و به وسعت رزق و روزی سر افزارم نمودی من هم تا بودم بر بندگان

وسعت دادم و در همه امور به آنان آسان گرفتم تا امروز بال رحمتت را بر من بگسترانی و در چنین گذرگاه و موقف مشکلی بر من آسان بگیری از پیشگاه حضرت رب العزه جل ثناوه و تعالی ذکر خطاب میرسد بنده ام صادقانه سخن گفت او را به بهشت ببرید.

ابی عبیده از امام صادق علیه السلام روایت می کند که خداوند مهربان در قیامت بربنده هاش منت می گذارد به او دستور میدهد به رحمت و عنایتش نزدیک شود آنگاه وی را به تمام نعمت هایی که به او داد آشنا نموده می فرماید آیا فلان روز رو فلان روز نسبت به فلان برنامه و فلان مساله دعا نکردی و من دعايت را اجابت نمودم؟

آیا در فلان روز و فلان روز از من درخواست ننمودی و من درخواست را به تو عطا کردم؟ آیا در فلان روز از من کمک تقاضا ننمودی و من آن رنج و درد را از تو برداشتم؟ آیا از من ثروت نخواستی و من به تو مرحمت کردم؟ آیا از من کارگر نخواستی و من به تو عنایت نمودم؟ آیا از من فلان دختری که در قبیله اش دارای موفقیت و شخصیت خوبی بود نخواستی، من وسیله ازدواجش را با تو فراهم آوردم؟

عبد عرصه میدارد: الهی آنچه خواستم به من لطف کردی و من میان خواسته هایم از وجود مقدس تو کلشت را خواستم.

الكافی ۴/ ۴۰، حدیث ۸، وسائل الشیعه : ۲۱/ ۵۶۵، باب ۲۲، حدیث ۲۷۸۲۲

خطاب میرسد برایت مسلم باشد که من این خواسته ات را نیز اجابت می کنم، این بهشت من اکنون در پاسخ مطلوب توست، آیا خشنودی شدی؟ مومن در

پاسخ مطلوب میگوید : آری ای پروردگار من تو هم از من خشنود شدی ؟  
خطاب میرسد : من از اعمال خشنودم و همچنین بهتین جزا را نیز ساکن  
بهشت گردانم (۷)

تفصیل مساله رحمت و برخورد حضرت حق با تائبان را به خواست او در  
دعای سی و یکم ( صحیفه سجادیه ) که در باب توبه و بازگشت است خواهید  
خواند الهی و ربی و سیدی و مولای ، ما را در دنیا و آخرت از رحمت  
رحیمیه محروم و ممنوع مکن و زمینه ی خود داری از عنایت و لطف را  
برای ما مهیا ساز که ما الابد محتاج و نیازمند رحمت توایم

(۷) بحار الانوار : ۲۷۹/۷ ، باب ۱۶ ، حدیث ۸

تفسیر القمی : ۲۵۹/۲ ، ذیل آیه ۶ سوره غافر

آیا انسان می تواند امیدوار به رحمت خدا باشد که از عذاب قبر و قیامت در  
امان باشد؟ پاسخ اجمالی : آنچه از مجموع آموزه های دینی می آید این است  
که امید به رحمت خداوند و ترس از عذاب قیامت به عنوان دو ویژگی مهم و  
مکمل هستند و بایستس در حد مساوی در بنده مومن وجود داشته باشد یعنی  
انسان مومن و اجابت و ترک محرمات الهی امید به رحمت پروردگار داشته  
باشد که عاقبت او به قید ختم گردد و نیز باید به همان اندازه الهی ترس داشته  
باشد چرا که عدم خوف از عذاب الهی باعث جرات انسان در انجام معاصی  
می شودخوف نیر باعث ناامیدی انسان می شود در واقع آیات و روایات امید به  
رحمت پروردگار را در کنار ترس از عذاب الهی قرار دادهو این دو امر  
وجودی را به عنوان دو نور در دل انسان و دو بال برای پرواز او به سوی  
کمال معرفی می کنند چرا که ترس از آخرت و امید به رحمت پروردگار

انسان را به اطاعت و پرستش خداوند می خواند و در نتیجه باعث نجات او خواهد شد.

پاسخ تفصیلی :

علمای علم اخلاق و عرفان مانند حضرت امام (ره) در مورد خوف و رجا با استفاده از آموزه های دینی این دو ویژگی را در انسان همواره مکمل همدیگر می دانند و میفرمایند که امید متحسن آن است که انسان تمام اسبابی که در تصرف اوست در طریق نیل به سعادت خود صرف کند و پس از آن امیدوار باشد که خداوند متعال با عنایت خود اسبابی که در تحت اختیار او نیست را برای او خدا هم کند و موانع را رفع کند تا به سعادت اخروی نائل گردد یعنی اگر کسی زمینه دل را از خارهای اخلاق فاسد و سنگ و شوره های معاصی پاک نمود و برای اعمال و اطاعت و بندگی را در آن کاشت و به آب صافی ایمان خالص آبیاری کرد پس از آن به امید فضل و رحمت خدای ببندد که عاقبت او به خیر و سعادت ختم گردد امید و رجاى چنین شخصى مستحسن است(۱)

کما این که قرآن بر این مطلب دلالت می کند کسانی که ایمان آوردها و آنان به مهاجرت کرده اند و در راه خدا جهاد نموده اند به رحمت خدا امید میدارند خدا آمرزنده و مهربان است(۲)

خداوند متعال در این آیه امید به رحمت خودش را پس از ایمان و جهاد و تلاش کردن و ترک محرمات قرار داده و این ترتیب یعنی انسان مومن باید در انجام فرائض و ترک محرمات تلاش خود را به کار ببرد سپس امید به رحمت پروردگار را نیز داشته باشد خوف مستحسن آن است که انسان بداند در مقابل خداوند متعال فقیر محض است و چیزی از خود ندارد و همه ممکنات محتاج و



فقیر کسی هست که او فیاض علی الاطلاق است لذا انسان هر چه میخواهد باید از کسی بخواهد که او قدرت مطلق و عاقبت همه به دست او ختم شود و او سرچشمه همه خوبی هاست(۳)

(۱) امام خمینی ، چهل حدیث ، ص ۲۲۹ ، چاپ شانزدهم، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی

(۲) تصنف ، ۲۱۸

(۳) امام خمینی ، چهل حدیث ، ۲۲۲

چنان که قرآن گواه این مطلب است : ..... بگو هم از جانب خداوند است(۴) خوف و رجا باید در حد مساوی در بنده ی مومن وجود داشته باشد یعنی انسان باید به اندازه ای از خدا و عذاب و قبر و قیامت هراس داشته باشد که این ترس موجب ناامیدی او از رحمت پروردگار نشود همچنین به اندازه ای به رحمت خدا امیدوار باشد که این امید باعث گستاخی او نشود روایات معصومین (ع) نیز موید این مطلب اند

(۱) امام صادق فرمودند از خدای عزوجل چنان بترس که امر نیکی جن وانس را بیاوریترا عذاب می کند و به خدا چنان امیدوار که اگر گناه جن و انس را بیاوری به تو ترحم کند.(۵)

(۲) امام علی (ع) می فرماید ( بهترین اعمال ، اعتدال بیم و امید است ) یعنی میان خوف خود از عقوبت خدا و امید خود به رحمت خدا حالت اعتدال پدید آریاز خدا به اندازی بترس و به رحمت و عفو او به اندازه امید بندی نه بیش از حد بترس که یاس از رحمت آورد و نه بیش از اندازه امیدواری گردی که غرور و غفلت زاید(۶)

(۳) امام صادق (ع) فرمودند ( خوف از عقوبت خدای مراقب و نگهبان دل است ) تا به غفلت و گناه نیفتید و رجا و امید ( به رحمت خدای واسطه

و شفیع آدمی است( تا مایوس نگردد و از خدا نگریزد ) کس خدا را بشناسد همه از او ترس دارد همه به او امید و این دو ( خوف و رجا ) دو بال ایمان است که بنده واقع گرا با آنها به سوی رضوان خدای پر می‌گشاید و دو چشم خرد او با آنها وعد وعید خدای را می‌گیرد ترس نشان نمایان را دگری خدا و بازدارنده از کیفر او است و امید فریاد بلند فضل و رحمت خدا است . رجا امید به رحمت بی پایان اهل دل را زنده می کند و خوف ( ترس) از عقوبت خدای ( وامیال نفس ) را می دهد اند.(۷) از مجموع مطالب فوق اینگونه استفاده میشود که امید به رهایی از عذاب قیامت در پرتو انجام واجبات و ترک محرمات یکی از دو بال ایمان برای پرواز بسوی کمال مطلق است و این و یژگی ( امید و رحمت خدا ) در کنار خوف ، از عذاب الهی بایستی به یک اندازه در انسان وجود داشته باشد یعنی انسان باید به اندازه ای به رحمت الهی امیدوار باشد که در آن امید او را به معصیت پروردگار منتهی نکند و نور ترس نیز در وجود انسان به اندازه ای باشد که موجب نا امیدی او از رحمت حق تعالی نگردد.

(۴) نساء ۷۸

(۵) کلینی ، اصول کافی، ترجمه مصطفوی ، ج ۳ ، ۱۰۹ ، چاپ اول

(۶) غرر الحکم ، ترجمه انصاری قمی ، ج ۱ ، ص ۳۹۵ ، چاپ هشتم  
تهران

(۷) مصباح الشریعه ، ترجمه مصطفوی ، ص ۳۹۸ ، چاپ اول انجمن  
اسلامی

شاخصه های فسق و فجور در قرآن و تاثیر آن ها در زندگی

(۱) تهمت فحشا

تهمت یا بهتان این است که چیزی را بگویی در او وجود ندارد ( کلینی ، ۲/۷۰ ) بنابر این با توجه به این که غیبت ذکر عیوب پنهانی افراد است و تهمت ذکر عیوب که در فرد نیست این می‌رساند که گناه تهمت به مراتب شدید تر و سنگین تر از غیبت است یکی از انواع بسیار زشت تهمت که خداوند برای آن عذاب دنیوی شدید مقرر داشته است . تهمت فحشا به دیگران است .

ان الذین یحبون ان تشیع الفاحشه فی الذین امنوا لهم عذاب الیم فی الدنیا والاخره والله یعلم و انتم لا تعلمون ( النور ، ۱۹ )

کسانی که دوست دارن زشتی ها در میان مردم با ایمان شیوع یابد عذاب دردناک برای آنها در دنیا و آخرت است و خداوند میداند و شما نمی دانید .

خداوند در سوره نور چندین بار به نحو بسیار قاطع این عمل بسیار زشت یعنی تهمت و فحشا و اشاعه آن را ممنوع می کند ابتدا انوری می دهد که اگر با ایمان هستیم این عمل زشت را انجام ندهید یعظمکم الله ان تعودو لمثله ( النور ، ۱۷ ) سپس بطور قاطع تر می فرماید کسانی که دوست میدارند زشت ها در میان مردم با ایمان شیوع یابد عذاب دردناک برای آنها در دنیا و آخرت است بلکه جالبی که در این جا خداوند اشاره می کند این است که نمی گوید کسانی که اشاعه ی فحشا می دهند بلکه میگوید کسانی که دوست دارند چنین کاری صورت بگیرد.

اگر چه شان نزول این آیات مربوط به همسر پیامبر است اما خطاب آیات بیانگر این مطلب است که اگر این جریان در مورد هر فرد ایمان اشخاص بفتید حق اشاعه ی تهمت فحشا را ندارد.

و اما در مورد عذاب الیم در دنیا در این نظرات گوناگون است که بعضی را به معنای انجام حد در دنیا معنا کرده اند و بعضی آن را بسوی از حد معنا کرده اند و چون قصد ما در این مقال بررسی گناهان که حد و تعزیر در دنیا بر آنها واجب میشود ، نسبت بنابر این گناه از جهت بررسی می کنیم که باعث نزول عذاب الهی بر افراد و جوامع میشود .

کلینی ، ۲/۷۰ تفسیر المیزان ، ( ۱۳۴/۱۳۲ ، ۱۵ ) النور ، ۱۹ ، النور ، ۱۷  
صاحب المیزان در این باره میگوید

اگر این آیه با آیات راجع به افک نازل شده باشد و متصل به آنها و مربوط به نسبت نا مردم دادن و شاهد نیاوردن باشد ، قهرا مفهوم تهدید تهمت زندگان است چون افک از مصادیق فاحشه است و اشاعه آن در میان مومنین به خاطر این بود که دوست می داشتند عمل زشت و هر فاحشه ای در بین مومنین شیوع یابد پس مقصود از فاحشه مطلق فحشا است چون زنا و قذف و امثال آن و دوست داشتن شیوع گناه در میان مومنین در نمی آورد ( طباطبایی ، ۱۵/۱۳۲ )

باز خداوند در همین سوره با تاکید بیشتر تهمت زندگان به زنان شوهر داری و باعث و با ایمان را ملعون در دنیا و آخرت معرفی می کند و برایشان عذاب تخیلی وعده داده است ، در رابطه با عام بودن این آیه صاحب المیزان میگویند این آیه شریفه هر چند که در جمله آیات افک به خانواده رسالت نیست هر چند که سبب نزولش آن داستان باشد. ( همان ۱۵/۱۳۴ )

بنابر این آن چه از آیات مذکور برداشت میشود در این است که تهمت فحشا به اینگونه بخصوص زنان عقیفه مومنه میشود و اشاعه آن و دوست داشتن

اشاعه آن باعث عذاب سخت دنیوی میشود هر چند عذاب اخروی آن بسیار شدید تر را خدا می گیرد.

( لولا فضل الله عليكم و رحمته و ان الله روف رحيم) النور ۲۰

## بخل

در معنای بخل گفته اند که هر گاه شخص آرزو کند خودش دارای نعمتی شود و دیگران از آن نعمت محروم بمانند به این حالت بخل و اعضای طلبی می گویند یعنی اینکه انسان همه چیز را برای خود خواهد و از محرومیت دیگران لذت ببرد بخل بخل خصوص در مسایل عاری و حامی نیست بلکه محدوده ی بخل بیار فدای از این هاست و این واژه مفهوم گسترده تری دارد که نجل در علم و ارادی حقوق و مانند این ها را نیز شامل شود بخل صورت بسیار فسدومی که می تواند خشم خداوند را بر انگیزد و سبب عذاب دنیوی گردد قرآن کریم از کسانی که خداوند صنعت بخل و حرص را از آنها دور کرده بعنوان رستگاران نام میبرد و من یوق شح نفسه فاولئک هم المفلحون ( الحشر ۹) و کسانی که به خداوند آنها را از بخل و حرص نفس خویش باز داشته ، رستگارترند

و در حالیکه می فرماید : هر کس بخل ورزید کار براو دشوار می کنیم.

امامن بخل واستغنی او کذب بالحسنی فسنیسره للعسری ( اللیل ، ۱۰ و ۹ و ۸) اما هرکس بخل ورزید و طلب بی نیازی کرد و نیکویی را تکذیب کرد سپس کار را بر او دشوار می کنیم قرآن کریم داستان صاحبان باغ را بیان می کند که چون بخل ورزیدند و قصد چیدن میوه قبل از خبردارشدن نیازمندان کردند خداوند هم به یکباره آتیش باغ آنها زد که صاحبان باغ ابتدا

نشناختند و این ها نبود مگر مکافات بخل آنها در همین دنیا قرآن کریم و امتحان صاحبان باغ را این چنین بیان کرده است.

انا بلونا هم كما بلونا اصحاب الجنة اذ اقساموا ليصرمنها مصبحين و  
لايستثنون ( العلم ۱۷، ۱۸ )

ما آنها را مانند صاحبان باغ امتحان می کنیم نگاه قسم خوردند صبحگاه  
میوه های آن را بچینند و هیچ استثنا نکردند

اما چون صبح شد آن باغ مانند خاکستر شد . فاصبحت كالصريم ( همان  
۲۰ ) آنها آهسته با خود سخن می گفتند که امروز فقری بر آنها وارد نشود

ان لايدخلنها اليوم عليكم مسكين ( القلم ۲۴ ) اما چون باغ را مشاهده کردند  
اقرار کردند که از گمراهان بوده اند. از تعبیر لا يستثنون ( و برای  
مستضعفان چیزی فرو نگذارد ) بر می آید که این کار ناشی از نیاز نبود  
بلکه ناشی از بخل و ضعف ایمان آنها بود ( مکارم شیرازی ۲۴/۳/۴۰ ) و  
درآمد هم خداوند می فرماید عذاب چنین است و عذاب آخرت سخت تر اگر  
مردم بدانند کذالك العذاب و الذاب الاكبر لو كانوا يعلمون ( القلم ۲۳ ) در  
واقع میخواهد به همه مردم بفهماند که شما هم اگر بخاطر مال و ثروت و  
امکانات عاری هست و مغرور شوید و روح بخل و انحصار طلبی بر شما  
شود و همه چیزی برای خود بدهید و محرومان از خود بدانید سرنوشت از  
بین نخواهد داشت منتها این عذاب خداوند گاهی بصورت صاعقه است و  
گاهی بصورت جنگهای خانمانسوز و گاهی به اشکال دیگر ، قرآن مجید را  
امتحان اصحاب الجنة را آورد تا به اینان اعلام کند که آماده باشند که آه  
مظلومی طلب را سوزاند از این داستان همچنین برداشت میشود که میان  
گناه بخل و قطع ورزی رابطه نزدیکی برقرار است.

تفسیر نور الثقلین حدیثی ۱ امام باقر علیه السلام می آورد که گاه انسان گناهی می کند و روزی او قطع میشود سپس امام آیات سوره قلم را تلاوت فرمود ( لحویزی ( ۵/۳/۵ )

علامه طباطبایی در این باره می گوید

از ابن عباس نقل شد که از رابطه گناه و قطع روزی از آفتاب هم روشن تر است چنان چه خداوند آن را در سوره ( ن و القلم ) بیان فرموده است.

الحشر ، ۹

القلم ( ۱۷ و ۱۸ و ۲۰ و ۲۴ )

مکارم شیرازی ( ۲۴/۳۹۴ )

تفسیر المیزان

تفسیر نور ، الحویزی ۳۹۵ / ۵)

(۴) اعراض از یاد خدا

خداوند بعنوان اخراج آدم و حوا از بهشت و ورود به زمین توصیه های آنها کرد اول توصیه کرد که اگر هدایتی از من سوی شما آمد هر که از آن پیروی کند نه گمراه میشود و نه تیره بخت

فاما یاتینکم منی هدی فمن اتبع هدی فلا یضل ولا یشتقی ( طه ۱۲۲ ) و اما توصیه درم خداوند به آدم این بود که هر کس از یاد من روی بگرداند وی را روزگاری سخت خواهد بود و او را در روز قیامت کور محشور کنیم .

ومن اعرض عن ذکری فان له معیشه ضنکا و نحشره یوم القیامه اعمی ( طه ۱۲۶ ) در معنای ضنک گفتند کلمه ضنک در هر چیزی که بکار رود

تنگی آن را میرساند و کلمه ای که در مذکر ومونث به یک جوی استعمال می شود ( طباطبایی ۱۴/ ۳۱۴ )

صاحب المیزان علت بیان این آیه باچنین انصافی ( و من اعرض عن ذکرى ) را این گونه بیان کرده است .

که می خواست به علت حکم اشاره کند و نص باید که تنگی معیشت در دنیا و کوری او در روز قیامت فراموش کردن خدا و اراض زیاد اوست و مقصود ذکر خدای تعالی را قرآن مجید یا مطلق کتب آسمانی و یا دعوت حق می داند. انسانی که خدا را فراموش کند و با او قطع رابطه نماید دیگر چیزی جز زندگی دنیا باقی نمی ماندو به ناچار خود را سر گرم دنیا می کند اما چه سود که زندگی دنیوی هرگز نمی ماند به ناچار خود را سرگرم دنیا می کند اما چه سود زندگی دنیوی هرگز نمی تواند به آرامش دهد بسیار اتفاق می افتد که انسان بارها دست به کاری می زند اما با درهای بسته روبرو می گردد و درهای زندگی به روی انسان به کلی بسته میشود از این حال به تعبیر به ضیق یا تنگی معیشت میشود تنگی به این معنا نیست که فرد درآمد دارد بلکه چه بسا انسانهای که درآمد هنگفتی دارند اما بخل و حرص زندگی بر او فشار می آورند که زندگی بسیار تنگ م ضیق می شود طه ۱۲۳ و ۱۲۴ تفسیر المیزان ، طباطبایی ۱۴/۳۱۴

قرآن مجید به صراحت عامل این تنگناها المراض از یاد خدا می داند و یاد و ذکر خدا را باعث آرامش جان و زندگی معرفی می کند اصول تنگی معیشت بیشتر به خاطر کمبود مسایل معنوی و وابستگی بیش از حد به جهان مادی است و گرنه مردان روزگار و آزار چون دلبستگی خاص به دنیا ندارند از همه یاین دلتنگی ها در امان هستند و بخاطر رعایت تقوا و گشایش برای مشکلاتشان باز می شود البته ذکر این نکته لازم و ضروری



است که همیشه اعراض از یاد خدا باعث تنگی معیشت نمی شود چرا که خداوند امور آدم و عالم را بر اساس ششش خود اداره می کند و اما اینکه خداوند با کدامین نیست خود با انسان ها عمل می کند عملش فتوا نزد خودش است و این تعیین مصداق کار آدمیان نیست.

نتیجه : خداوند مهربان ترین مهربانان عالم است و عذاب های که در آیات قرآن از طرف خداوند آمده است در جای است که مهربان او مخالف دیگر خوبی های اوست مهربانی او معنای ندارد و نه تنها مهربانی نیست بلکه ضد رحمت الهی است.

#### منابع

۱- قرآن کریم ترجمه عبدالصمد آیتی ، تهران ، انتشارات سروش ، ۱۳۷۱ ابن کثیر اسماعیل - تفسیر القرآن العظیم - بیروت ، دالصرمه ۱۴۱۵ ق.

۲- الحویزی العروس ، علیر تبلیغات اسلامی ۱۳۸۳

۳- راغب اصفهانی ، حسین بن محمد ، المفردات الالفاظ القرآن ، بیروت دارالفکر

۴- طباطبایی ، محمد حسین ، تفسیرالمیزان ترجمه موسوی همدانی ، قم انتشارات ادیب ۱۳۸۰ ش

۵- الکلینی - محمد بن یعقوب ، اسلامی تهران ، منشورات دار الکتب الاسلامیه ۱۳۶۳ ش

۶- مکارم شیرازی ، ناصر ، تفسیر نمونه تهران ، دار الکتب الاسلامیه ۱۳۶۹ ش